

آثار و پیامدهای کاهش جمعیت

برخی از آثار و پیامدهای کاهش جمعیت عبارتند از:

*عدم رشد و توسعه اقتصادی

از جمله آثار و پیامدهای منفی کاهش جمعیت، تغییر ساختار جمعی و به اصطلاح، پیر شدن جمعیت کشور و در نتیجه، عدم رشد و توسعه اقتصادی است. بدین معنا که انتقال هرم سنی جمعیت از جوانی به سالخوردگی، در شرایطی است که محرک اصلی و کلیدی توسعه «منابع انسانی» می باشد؛ زیرا اگر به راستی دولتی بخواهد در خدمت مردم باشد و در تلاش برای توسعه اقتصادی جامعه باشد، و همه توان و ظرفیت منابع ملی، سرمایه و زیرساخت های سخت افزاری و نرم افزاری را به درستی به کار گیرد، افزایش جمعیت عاملی برای شتاب روند توسعه اقتصادی می باشد؛ زیرا مهم ترین نیاز اولیه توسعه اقتصادی، وجود نیروهای جوان، فعال و کارآمد است. بنابراین، کاهش جمعیت موجب پیری جمعیت است که خود مانعی برای رشد و توسعه اقتصادی خواهد بود. به عبارت دیگر، در شرایط کنونی که جامعه اسلامی ما با معضل گسل کاهش جمعیت مواجه است، این امر عامل مهمی برای عقب ماندگی و عدم توسعه کشور است.

* پیری و بی نشاطی جمعیت

از دیگر مشکلات ناشی از کنترل جمعیت، پیری جمعیت و فقدان نشاط و تحرک لازم اقتصادی، اجتماعی است. روشن است که توسعه و رونق اقتصادی وابسته به نیروی جوان و کارآمد است. با کاهش و رشد منفی جمعیت، جمعیت جامعه پیر می شود و از نشاط و سرزندگی لازم برخوردار نخواهد بود؛ زیرا جوانان مایه پویایی و سرزندگی جوامع هستند و غالب نوآوری ها، خلاقیت ها و نیز جهش های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی توسط نیروهای جوان به ظهور می رسد. در جامعه با جمعیت پیر، دولت ها و صاحبان سرمایه، احساس خطر می کنند. اساساً ناامیدی بر جامعه سایه می افکند و جامعه به سمت محو شدن کامل حرکت می کند.

* آسیب های اخلاقی و تربیتی

یکی از پیامدهای منفی کاهش جمعیت، آسیب های اخلاقی و تربیتی است. جان رایان، دین شناس کاتولیک امریکایی، از زنان می خواهد که بچه های زیادی داشته باشند. وی معتقد است تأمین خانواده های بزرگ، به نوعی از نظم نیاز دارد که حاصل آن زندگی موفق است. نوع زندگی ای که فقط با داشتن هزینه ادامه زندگی اتفاق می افتد؛ یعنی ایثار کردن، احیای خود برای دست برداشتن از امکانات و پیش دستی برای رسیدن به آینده. وی معتقد است: کارشناسانی که به کنترل موالید معتقدند، به نوع شخصیت هایی که لازم است درست شود تا جامعه به صورت متعادل رشد کند و به حیات خود ادامه دهد، فکر نکرده اند. نکته دیگر اینکه، خانواده های کم جمعیت ممکن است ثروتمند شوند، اما ثروتمند شدن آنان، از فقیر ماندنشان خطرناک تر است.

این موضوع به واقعیتی غیرقابل انکار اشاره دارد؛ زیرا ما در مباحث جمعیت شناختی، غالباً به آسیب هایی توجه می کنیم که از ترکیب فقر و پرجمعیتی خانواده ها به وجود می آید. در این زمینه از یک سو، از آسیب های اخلاقی و تربیتی ای که متوجه خانواده های کم جمعیت، به ویژه تک فرزندی است، غافل می شویم و از سوی دیگر، به منافع و فوایدی که در خانواده های پرجمعیت وجود دارد، توجه نکرده ایم؛ زیرا ترکیب رفاه و تک فرزندی، خود مقوله ای است که می تواند موجب بروز مشکلات فراوانی شود؛ زیرا کودکان در خانواده های کم جمعیت، به ویژه تک فرزندی، همواره با سلسله خواست ها و انتظارات بی پایانی رشد می کنند که همه یا اکثر آنها برآورده می شود. از این رو، فرزندان در چنین خانواده هایی با مفاهیم ارزشی و اخلاقی ای نظیر قناعت، ایثار، گذشت، کمک به هم نوعان، صبر، شکیبایی، تحمل، مدارا و... بیگانه خواهند بود. از سوی دیگر، به دلیل اصالت رفاه و لذت، والدین نیز فرزند بیشتر را «مزاحم» تلقی می کنند. والدین در چنین خانواده هایی، از نعمت فرزندان، بی بهره خواهند بود. بنابراین، اگر در نگرش دینی قناعت، ایثار، گذشت، همیاری، کمک به هم نوعان، کار و تلاش برای رشد و راحتی دیگران و سایر ارزش های اخلاقی، فی نفسه ارزش است و رفاه و لذت مادی در درجه دوم اعتبار و اهمیت قرار دارد، سیاست های کاهش جمعیت تا حد پیدایش خانواده های تک فرزند از این منظر، امری نامطلوب خواهد بود؛ زیرا کنترل جمعیت منجر به هسته ای شدن و تک فرزندی شدن خانواده شده، و این خود تابعی از اولویت یافتن رفاه و لذت مادی است. این امر تغییراتی را در رفتارهای جنسی مردان و زنان موجب می شود. دستیابی دختران و پسران در سنین مختلف به ابزارهای کنترل بارداری و اطمینان از عدم بارداری های ناخواسته، زمینه لازم را برای ایجاد روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده افزایش می دهد.

* انقطاع نسل بشر

از جمله آثار رشد منفی و کاهش جمعیت، پیری و در نتیجه، حرکت به سمت و سوی انقطاع نسل بشر است؛ زیرا بر اساس آموزه های برگرفته از معارف ناب قرآن و اهل بیت علیهم السلام، یکی از مهم ترین فلسفه های ازدواج و تشکیل خانواده، زاد و ولد و تشکیل اجتماعات بشری است. در حال حاضر، هرم سنی جمعیت کشور ما حاکی از جوان بودن جمعیت دارد. برخوردار بودن از این نیروی جوان می تواند به عنوان یک فرصت طلایی و قابلیت در چرخه توسعه و عامل پیش برنده رشد اقتصادی قلمداد گردد. اما اگر تدبیر کارآمدی برای بهره گیری از این مؤلفه تأثیرگذار در تولید نباشد، این فرصت به تهدیدی برای نظام اجتماعی محسوب خواهد شد. بنابراین، با توجه به رشد منفی جمعیت در کشور، باید به رویکرد فزونی جمعیت روی آورد و افزایش جمعیت را در جامعه اسلامی ایران به عنوان یک سیاست راهبردی تلقی کرد. در این زمینه، فرهنگ سازی امری ضروری است. باید توجه داشت که مشکلات موجود کشور تا حدودی ناشی از توزیع نامناسب جمعیت و تراکم جمعیت در شهرها و توسعه شهرها و عدم بهره برداری صحیح از منابع است. با برنامه ریزی صحیح و به کارگیری نیروهای جوان مولد در عرصه های گوناگون، می توان شاهد جامعه ای توسعه یافته بود. هم چنین با فرض پذیرش ادله مخالفان مبنی بر رابطه معکوس فزونی جمعیت و توسعه، به نظر می رسد این امر بیشتر ناشی از توزیع نامناسب جمعیت و امکانات در شهرهاست. اما با استفاده از فرصت فزونی و جوانی جمعیت در کشور، که موجب افزایش نسبت جمعیت فعال به جمعیت غیرفعال شده است، امکان رشد اقتصادی و تأثیر مثبت جمعیت بر توسعه فراهم خواهد شد.

* اختلال در جامعه پذیری و ارتباطات اجتماعی بچه های خانواده های کم جمعیت

طبق تحقیقات، بچه هایی که در خانواده های تک یا کم فرزند زندگی می کنند، جامعه پذیری شان با اختلال مواجه است. زیرا امکانات اقتصادی در چنین خانواده هایی فقط به یک یا دو فرزند اختصاص می یابد و چنین فردی خود را عادت نمی دهد که خواسته های خود را محدود کند و با دیگر فرزندان مشارکت و ارتباط و تعامل داشته باشد. در نتیجه بچه های بی مسئولیتی در این خانواده ها تربیت می شوند. در گذشته در خانواده ای که ۴ یا ۶ فرزند داشته اند امکانات بین فرزندان تقسیم می شد و بچه ها در دوران کودکی تا حدی فشار اقتصادی را تجربه می کردند. بچه ها هر کدام سلاقی داشتند به همین دلیل با هم درگیر می شدند و در همین دعوای آرام آرام یاد می گرفتند که چگونه باید حقوق یکدیگر را رعایت کنند و با یکدیگر تعامل داشته باشند در مدتی که فرزندان در خانه پدر بودند راه تعامل و کنار آمدن با هم را یاد می گرفتند و بعد که وارد اجتماع و زندگی خانوادگی می شدند، مشکل نداشتند. اما بچه هایی که تک فرزند هستند با ورود به اجتماع در خیلی از مواقع با مشکل روبه رو می شوند چون تمرین همزیستی و تعامل را قبلاً نکرده اند و چنین افرادی خودمحور و فردگرا هستند.